

این تهیه کننده و کارگردان درباره اهداف دیگر این برنامه افزود: ما به دنبال شبکه ارتباطی بیشتر با ایجاد لینک‌های استانی هستیم به طوری که حتی «سرزمین شعر لهجه‌ها» را بنا کنیم که ریشه در شعر پارسی و اقوام دارد، تا این گونه از شعر نیز به برندی بزرگ تبدیل شود و حیات خود را در سایر حوزه‌های ادبی انعکاس دهد.

او در پایان به بازخورد مثبت مخاطبان «سرزمین شعر» اشاره کرد و گفت: تعامل مخاطبان را با برنامه از طریق فضای مجازی خصوصاً اینستاگرام و رکوردهای خوبی که در این سکو داشته، ثبت کردیم. مثلاً قطعه شعر «پدرم را خدا بیمارزد کارگر بود» از آقای موسی عصمتی ۱۵ میلیون بار دیده شد این قطعه شعر به حادثه فرو ریختن معدن طبس اشاره داشت. این تعداد از بازدید یک تراز متفاوت است که نشان می‌دهد برای مردم ایران شاعر بودن با حافظ و سعدی تمام نشده است. تا زمانی که ما فارسی حرف می‌زنیم شعر همچنان هست و به قول شاعری که گفت «من با هر حرفی که میگفتم غزل می‌شد/وقتی زبان رسمی این سرزمین شعر است.»

محمد کاظم کاظمی، شاعر افغانستانی و داور برنامه:

شاعران امروز احساس، نسل‌های قبل را ندارند

محمد کاظم کاظمی، یکی از چهار داور برنامه «سرزمین شعر» است. او شاعر، نویسنده و پژوهشگر برجسته افغانستانی است که در کتابی به نام «هم‌زبانی و بی‌زبانی»، به اشتراکات دو ملت پرداخته است. در میان استراحتی که بین ضبط برنامه ایجاد شد به سراغ او رفتیم، او بسیار صمیمانه و با تمرکز به سوالات من درباره حضورش در این برنامه و تاثیر آن در حوزه فرهنگی شعر فارسی پاسخ داد.

محمد کاظم کاظمی درباره جریان‌سازی این برنامه بر روی شعر فارسی گفت: این برنامه میتواند از دو طریق بر شعر فارسی اثر بگذارد: اول، افزایش ارتباط مردم با شاعران معاصر و اشعارشان، چرا که دسترسی عموم مردم به کتابهای شعر محدود است و این برنامه میتواند خلاصه و عصاره‌ای از جریانهای شعری را به مخاطبان ارائه دهد. دوم، دیده شدن و شناخته شدن شاعران، به ویژه شاعران جوان و ایجاد انگیزه برای ادامه فعالیت‌شان در سرآیدن شعر.

این شاعر همچنین درباره تفاوت نسل در شاعرانی که در ایران ظهور پیدا کردند و سپس جای خود را به نسل‌های بعدی دادند، اضافه کرد: وقتی من وارد حوزه شاعری شدم هنوز نسل پیشکسوت محمدعلی بهمنی و... شعر می‌سرودند. مرحوم شه‌پریار، مهدی اخوان ثالث و استاد خلیل‌الله خلیلی از افغانستان هنوز زنده بودند و نسل بعد که در اوایل انقلاب مطرح و برجسته شدند مانند آقای حسن حسینی، قیصر امین‌پور، علی معلم و... آمدند که ما بیشتر شاگردان این نسل هستیم و بیشتر از اینها یاد گرفتیم و بعد از ما نسلی را در شعر شاهد هستیم که در زمان ما دانش آموز بودند و البته بعد از آن هم از اواسط دهه ۸۰ تا به امروز نسل جوانی که تقریباً میتوانیم بگوییم که اوایل انقلاب را درک نکرده و در جهان ارتباطات فضاهای مجازی رشد کرده است و امروز نسل شاعران جوان و نوجوان ما هستند.

وی درباره تفاوت عناصر شعری در نسل قدیم و امروز گفت: شاعرانی که تقریباً در ۲۰ سال اخیر مطرح و در اواسط دهه ۸۰ چهره‌های برجسته و مطرحی هم دارند، شعرشان از لحاظ احساس، عاطفه و پشتوانه فکری نسبت به دهه ۶۰ کمتر است و دیگر آن تجربه‌های فکری با چالش‌های فکری اوایل انقلاب را ندارند. البته نه اینکه اصلاً نداریم منظورم این است که آن عاطفه و فکر کمتر در این نسل دیده می‌شود اما در عوض از لحاظ تکنیکی شعرها قوی‌تر شده‌اند. یعنی نسل امروز در نسبت با پیشکسوتانی مانند شه‌پریار، اخوان ثالث به ویژه در جنبه‌های تکنیکی و عاطفی شعر از نظر مهارت‌های فنی و زبان قویتر هستند اما از نظر عمق احساس، پشتوانه فکری غنی نسل‌های قبل را ندارند و شاعرانی با عمق فکری علی معلم یا حسن حسینی در دهه‌های اخیر کمتر یافت میشوند.

کاظمی درباره تاثیر فرهنگ بر شعر گفت: شاعران، بسته به میزان توجه‌شان به میراث کهن فارسی یا مسائل روز و فرهنگ بومی خود، اشعاری متفاوت می‌سرایند. شاعرانی که به سنت شعری فارسی مانند اشعار سعدی و حافظ متکی هستند، کمتر تحت تاثیر فرهنگ و زمانه خود قرار میگیرند، در حالی که شاعرانی که مسائل روز را در شعر خود مطرح میکنند، تحت تاثیر فرهنگ و زبان محیط زندگی خود هستند و این تاثیر در حوزه زبان، ضرب‌المثلها، باورها و فرهنگ عامه نیز قابل مشاهده است. ادامه ضبط برنامه با اعلام کارگردان باعث شد که دیگر در کناری بایستم و نظاره‌گر تولید برنامه باشم. بعد از کات کارگردان به امید اینکه این برنامه بتواند روزهای خوشی را برای شعر ایران رقم بزند با این دوستان که همچنان باید به ضبط برنامه ادامه می‌دادند، خداحافظی کردم.



بران زمین

به جغرافیایی حتی بزرگتر از جغرافیای ایران دارد و لازم است همه تکنه‌های شعری در ایران با این برنامه عرضه شود.

وی در پاسخ به این پرسش که این برنامه در جهت تقویت شعر با کدامیک از بازوهای مهم ادبی در ایران ارتباط متقابل ایجاد کرده است، اضافه کرد: درباره ارتباط با دیگر بازوهای شعری در ایران باید بگویم تصور من این است که شعر معاصر امروز ایران دچار چند پارگی است که بخشی از آن را حوزه هنری، بخشی از آن را جامعه روشنفکری و اندیشمندان و بخشی دیگر هم رازارت فرهنگ با جشنواره شعر فجر و... به عهده دارد. این چند پارگی ضربات مهلکی به بدنه شعر زده است. ضمن اینکه ما به همه این دوستان اعلام کردیم دروازه «سرزمین شعر» به روی همه گونه از شعر باز است و برای حضور پررنگ در برنامه از آنها دعوت به عمل آورده‌ام، اما همکاری‌ها بسیار کم است. در حال حاضر مهمترین قاب رسانه شعر معاصر ایران برنامه «سرزمین شعر» است اما بازوی محتوایی که نزد صاحبان اندیشه و بازوی خدمات دولتی است هر کدام جدا از هم مشغول به فعالیت هستند در حالی که اینها همه تکه‌های یک بدن‌اند. ما امیدوارم که این تکه‌های جورچین در ادامه با هم‌میوشانی به یک نقطه برسند تا شعر دارای تنی یکپارچه، زنده و فعال شود.

وی درباره ممیزی‌های سخت گیرانه صدا و سیما و تاثیر آن بر سطح کیفی برنامه گفت: امروز در حال ضبط صدمین قسمت برنامه سرزمین شعر هستیم و خوشبختانه در طول این مدت تا کنون سازمان حتی یک بیت را هم حذف نکرده است. یک سال است که این برنامه از آنتن صدا و سیما پخش می‌شود و سازمان در طول این مدت بیشترین همراهی را با ما داشته ولی این همراهی نباید صرفاً از طرف صدا و سیما باشد بلکه لازم است نهادهای دیگر برای حمایت پا پیش بگذارند. قطعاً با کمک‌های محتوایی و حمایت‌های مالی، «سرزمین شعر» از یک برنامه تلویزیونی به یک هسته زنده پویا تبدیل می‌شود و شعر فارسی انگیزه‌های بزرگتری پیدامی‌کند.

او در ادامه تصریح کرد: این حمایت‌ها منطقاً باید از جاهای مختلفی تامین شود که یکی از آنها صدا و سیماست و هر نهاد مرتبط با شعر باید سهم خود را در این فرایند محقق کند و تنها به همین انکا است که می‌توانیم امیدوار باشیم که «سرزمین شعر» در یک سرعت مناسب و به نحو شایسته‌ای گسترش و ارتقا پیدا کند.

رسانه‌های تصویری است، جویا شدم.

علی زارعان گفت: شعر در ایران چند لایه دارد که یک بخش جدی آن شعر معاصر است و در این حوزه من به صورت جدی میتوانم بگویم با توجه به تمام بررسیها، برنامه «سرزمین شعر» تنها برنامه ادبیاتی معاصر است که توانسته در ساختار مسابقه، ادبیات شعر معاصر ایران را در خودش حفظ و فرایندسازی کند.

وی درباره بخش‌های جنبی این برنامه و اینکه چه تمهیداتی برای جلب مخاطب امروز در نظر گرفته است، گفت: هنر اول ایران، شعر است، پس می‌توان آن را جزو رقابت‌های اول نیز به حساب آورد و تاکید ما در این برنامه بر ساختار رقابت است که این فرایند پیشتر در جشنواره‌هایی مثل جشنواره شعر فجر و... روال بوده است. اما این جشنواره‌ها به دلایلی در طول این سالها باز خورد مردمی را به همراه نداشته‌اند و نهایتاً در یک جماعت مثلاً ۵۰ هزار نفری غور کرده‌اند. اما این برنامه با این طراحی برای اولین بار است که افراد بیشتری را به مثابه مخاطب و شاعران درگیر کرده است. مخاطب برنامه «سرزمین شعر» رده سنی ندارد و از آن مهمتر اینکه این برنامه همراهی بین خانواده‌ها و خصوصاً نوجوانان را ایجاد کرده است یعنی طبق گفته بسیاری با پخش این برنامه تعداد مراجعین به شب شعرها بیشتر و رغبتی در نوجوانان برای شعر گویی ایجاد شده است.

وی در ادامه با تاکید بر این موضوع که لوازم‌های شعر تنها یک کاغذ و قلم است، افزود: این مسئله از طرفی شعر گفتن را از موانع مادی و دیگر آزاد کرده و از طرفی نیاز آن را به ذهنی خلاق تر و آزادتر میرم کرده است.

این کارگردان با اشاره به اینکه این برنامه در آستانه صد قسمتی شدن است، ادامه داد: با توجه به هدفمندی این دست از برنامه‌ها که بر روی باصالت‌ترین فرهنگ ایرانی یعنی شعر متمرکز شده است لازم است مانند حوزه خیر ادامه‌دار باشد، چرا که در شعر معاصر ما هر روز با شاعرانی جدید شاهد اتفاقی تازه هستیم و برنامه «سرزمین شعر» دلیل زنده بودن شعر در ادبیات معاصر امروز است و برای تحقق شعر باید ادامه داشته باشد تا فرایند سازی آن کامل شود. مانند برنامه «امیرشعر» که برنامهای از همین جنس در کشورهای عربی است. این برنامه ۱۸ ساله متوالی است که ادامه دارد. بنابراین تا شعر فارسی زنده است می‌تواند این برنامه‌ها ادامه داشته باشد. سرزمین شعر وسعتی